



درباره: اہمیت آموزش  
 فضیلت حزب و وجہ تائید حزب جمهوری اسلامی  
 چگونگی جذب و استفادہ نیروها  
 بیجستغنیہ - علم و اخلاق  
 از زبان دبیر کل حزب جمهوری اسلامی

ت  
 انقلاب اسلامی  
 فقیہ اسلام  
 اعتقاد داریم کہ حزب

تجدد اسلام و المسلمین سید علی خامنہ ای

حزب جمهوری اسلامی - دفتر بزرگان

سخنان حجه الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای  
دبیرکل محترم حزب جمهوری اسلامی در دیدار با  
مسئولان واحد آموزش حزب جمهوری اسلامی که در  
تاریخ ۱۳۶۲/۹/۱۰ ایراد گردیده است .



انشاء الله که برادران و خواهران در این کار  
بسیار مهمی که بر عهده گرفته‌اند موفق و موید و  
محفوف به توفیقات و فیوضات الهی باشند. بنده  
اول یک جمله درباره اهمیت آموزش در حزب جمهوری  
اسلامی عرض می‌کنم:

بنده می‌خواهم بگویم اساس کار ما در حزب بر  
آموزش است. شاید اگر با حزب یونان عالم و کسانمی  
که در دنیا احزاب معروف سیاسی را داشته‌اند و  
مبادلات سیاسی دنیا و داد و ستدهای سیاسی دنیا  
بوسیله این احزاب انجام گرفته این حرف بنده  
را در میان بگذارند اینها تعجب می‌کنند شما

تقدیم به ارواح پاک و گل‌های پرپر  
شده ۷ تیر بخصوص شهید مظلوم  
آیه... بهشتی اولین دبیر  
حزب جمهوری اسلامی.

تقدیم به سوخته‌گان داغ‌ش و  
پویندگان راهش. و پاسداران  
خونش و لبیک‌گویان امامش  
حضرت روح... .

حزب جمهوری اسلامی - بزازجان

ملاحظه کنید میا رزات انتخاباتی بین احزاب مختلف این کشورها را! این حزب می برد، آن حزب می برد با هم ائتلاف میکنند، همدیگر را می کوبند، آشتی می کنند، بهر حال نتایجی دارد و کشور را بدست می گیرند، حال اگر به اینها گفته شود که یک حزبی در ایران وجود دارد که این اساس کارش بر آموزش است و آموزش را محور اصلی میداند، تعجب خواهند کرد که اینها چکار می کنند، حقیقتش هم اینست که محتوای حزب جمهوری اسلامی با احزابی که در دنیا حزب حاکم شمرده می شوند (که حالا اینهم (حزب جمهوری اسلامی) حزب حاکم شمرده می شود) اصلاً محتوای حقیقتش بکلی با هم متفاوتند، اسم هر دو حزب است و الهیج مشترک حقیقی و بنیانی و عنصری اینها با هم ندارند.

ما اساساً "هدفمان از ایجاد حزب جمهوری اسلامی این بوده که این ملت عظیمی را که معتقدیم بار انقلاب بردوش هست، از لحاظ اندیشه اسلامی و از لحاظ بینش سیاسی بتوانیم تجهیز کنیم.

ما اگر بتوانیم آن کاری را که یکروز بصورت فردی انجام میدادیم (بنده یک مسجدی و یک کلاسی داشتم که در آن به تعدادی افراد طلبه و غیر طلبه آموزش فکری یا سیاسی میدادم، دوستان دیگرمان

هم که از برادران مسئول حزب بودند کم و بیش هر کدام در یک حوزه ای در هر محوطه ای در یک قلمروئی این کار را داشتند) همان کار را امروز که نتوانسته ایم ثمرات آن تلاش ها را در شکل جمهوری اسلامی ببینیم، در سطح وسیع ملت پیاده کنیم همان تفکر اسلامی را به مردم بدهیم، همان بینش سیاسی را به مردم بدهیم، همان خلاقیت ذهنی و فکری را به آنها ببخشیم، سرچشمه های اندیشیدن را در وجود آنها جاری کنیم، اگر این کار را بتوانیم بکنیم ما به هدفمان رسیده ایم، هدف ما همین است! رئیس جمهور مال این حزب باشد یا نباشد اصلاً برای ما، (وقتی به آن هدف رسیده باشیم) مطرح نیست. و یا اینکه نخست وزیر از این حزب باشد و کلای مجلس از این حزب باشند، حاشا و کلا. ما اصلاً می خواهیم این جامعه با آموزش درست دین و با درک درست جریانات سیاسی جهان بتواند با راین انقلاب را بدوش بکشد، ولی احزاب دیگر دنیا اصلاً حزب را برای این درست نمی کنند! حزب بوجود می آید برای گرفتن قدرت، تمام کارها برنامهریزی می شود برای اینکه قدرت بدست بیاید، که در اینجا ایدئولوژی هم تابعی است از قدرت.

احزاب سوسیالیست و کمونیست فرانسه که شایدهشت یا هفتادسال است اینها سابقه تلاش مبارزه دارند، درست است که یک ایدئولوژی برای خودشان ذکر می کنند و آنرا با خودشان همراه می برند اما آن ایدئولوژی برایشان یکدک است، یک سربار است و خاصیت سربار هم این است که وقتی یکجا به یک دست اندازی رسید یک تکانی خورد آن سربار می افتد، جزوبینه اصلی این حرکت نیست، و ملاحظه می کنید دیگر این سوسیالیسمی که امروز سوسیالیستهای فرانسه آورده اند چیزی که ندارد سوسیالیسم است، اصلاً "ایدئولوژی مطرح نیست! البته ممکن است آن آموزش را هم بدهند اما آموزش آنها هم در خدمت گرفتن قدرت است، در خدمت رسیدن به حکومت است. امروز نیز میتران حاضر است تمام بازیهای سیاسی را که متصور می شود (اگر بتواند! منتها عقل و کشش ذاتی این کارها را سوسیالیستهای فرانسه ندارند خوشبختانه) بزند که دوره بعد هم سوسیالیستها انتخاب بشوند (که البته نخواهند شد، آنطور که قرائن نشان می دهد چون خیلی بی عرضگی از خودشان نشان داده اند).

امروز تمام احزابی که در آمریکا، انگلیس،

فرانسه، ایتالیا، اطریش، آلمان و... وجود دارند (فرض کنید که حزب دمکرات مسیحی یا حزب سوسیال فلان، اینها فقط یک اسمهای است) در حقیقت اینها گروههایی هستند با ندهای قدرتی هستند که در میان مردم جزا طریق تبلیغات هیچ پایگاهی ندارند، عضو بمعنای واقعی اصلاً ندارند، اعضایشان همان کسانی هستند که دارند تلاش می کنند، تا مناصب را بگیرند، کارها را بگیرند البته یک عده طرفدارانی دارند از طریق مطبوعات اما قضیه ما این نیست، قضیه ما قضیه سازندگی ذهنی این مردم است تا با انقلابی را که تا اینجا رسانده اند بتوانند به آن خرابی برسند.

این حزب و کار این حزب ادا ما همان کار مسجدی ما است در دوران اختناق، آنجا می رفتیم یک صحبتی می کردیم، درسی می گفتیم، تفسیری می گفتیم، چیزی یاد می دادیم به مردم، از قرآن از حدیث، از سیاست، از مسائل انقلابی، جهت گیریها، هدفها، آینده اسلام، و الحمد لله آن حرفها (مجموعه قطراتی که حالا زهر کدما یک قطره اش شاید بودیم یا داشتیم)، جمع شد یک طوفانی شد، سیلی شد و این انقلاب را بوجود آورد، حال می خواهیم همان را بشکل مترقی تر و منسجم تری انجام

بدهیم .

با این بیان توجه می کنید که همه چیز بر محور آموزش است و شما که متصدی امر آموزش هستید باید بدانید اگر خوب کار کردید، حزب خوب کار می کند، اگر خدای نکرده سستی شد، بدسلیقگی شد، کوتاهی شد، حزب، حزب نخواهد بود. البته ما معتقدیم که بدون تشکل و پیوندانسانها با یکدیگر و همفکری اینها هرگز یک مجموعه بوجود نمی آید، همه فردها مجموعه نمی شوند، آن فردهائی که با هم از لحاظ جهت گیری فکری، از لحاظ مدنگاه و دیدگاهها یکی هستند اینها می توانند یک مجموعه بشوند. برای اینکه مردم با هم هم دست شوند اتحاد و اتفاق مردم عمیق شود، این زبرالحدیدی که امروز وجود دارد در این مملکت، بشکل یک پاره پولاد سستی نا پذیر و خلل نا پذیر در بیاید، احساس می کنیم که این پیوند فقط از طریق فکرو اندیشه امکان پذیر است و لا غیر. اینست که آموزش برای مادر حزب همه چیز است، این راجع به اهمیت آموزش که برادران به آن توجه کنند.

دو یا سه نکته اصلی و مهم را هم عرض کنم. یک نکته این است که: از نیروهای محلی باید استفاده بشود، استفاده از نیروهای محلی دوفایده دارد:

اولاً "زنده کردن واحیاء کردن استعدادها" است که اگر چنانچه از آنها استفاده نکنید و تضييع بکنید کفر نعمت الهی شده (باید از این استعدادها استفاده کنید). ثانیاً "بشکل طبیعی و درست انجام دادن کار است، کار مردم در هر منطقه ای بوسیله خود آن مردم انجام بگیرد، به زور نمی شود چیزی به مردم خوراند و در ذهن آنها وارد کرد. وقتی شما توانستید از نیروهای محلی استفاده کنید، ایر کار آموزش که یک خدمت بزرگی به آن مردم هست با طبیعی ترین شکلش انجام می گیرد و سهولت پیدا می کند. پس استفاده از نیروهای محلی هم برای سهولت کار خود شما خیلی خوب و لازم است. از لحاظ احیاء استعدادها قابل شکوفائی فوق العاده حائز اهمیت میباشد.

یک مسئله دیگری که حائز اهمیت است این است که در واقعاً آموزش آن نمودار زمانی که از طرف حزب مشخص شده (نمودار تشکیلاتی) حتماً "بایستی موبه مو و دقیق اجرا بشود، تا اجرا نکنید هم میر مشکلات وجود خواهد داشت! دقیقاً "نحوه رابطه ایر واحداً با واحدها تشکیلات و با واحدهائی که با آنها مرزهای مشترکی دارند مشخص کنید که البته اینها در نمودارهای حزب مشخص هم شده و سعی کنید که

نشاء الله آنرا دقیق انجام بدهید.

مسئله دیگری که خیلی لازم است اینست که در موزش تنوع باید وجود داشته باشد، شما آموزش نگری، آموزش سیاسی و حتی آموزشهای بسیجی را باید به مردم بدهید. برادران و خواهران حزب در هر جا که هستند در واحدهای مقاومت، در بسیج شرکت کنید، بیا موزند، تعلیم بدهند، هیچ اشکالی ندارد. البته هستند کسانی که مایلند با دیدگاههای تنگ برای اینکه حزب را درجا مع در عزلت قرار بدهند زاینکه می بینند برادران و خواهران حزبی در تار بسیج وارد می شوند، جلوگیری و ممانعت و سنگ افکنی می کنند، این کاملاً غلط است، برادران باید در خطوط مقدم بسیج باشند، شایسته این است. صلاحیتهای شرکت در بسیج عمومی مردم که از مهمترین گامهایی است که این انقلاب بر میدارد، در درجه اول متعلق به آن انسانهایی است که علاوه بر دیگر فضائل فضیلت حزب را هم دارند چون حزب یک فضیلت است، هر کسی خیال کند که حزب یک ضد ارزش است اصلاً ارزشهای اسلامی را نشناخته است. حزب یک ارزش است، البته حزب صحیح، حزب در خط مکتب ما چون یک ارزش هست دنبالش می رویم، اگر چنانچه ارتباط

۹  
و اتصال قلبی انسانها با هم در پیوند فکری آنها با یکدیگر (که تعبیر دیگری از حزب است) یک ضد ارزش می بود ما دنبال این نمی رفتیم لکن ما مصریم که این ارزش واقعی است، مسائل کنونی اینها را نشان میدهد.

اگر همین حزب جمهوری اسلامی نبود، شما همین مجلس را امروز نداشتید، همین قانون اساسی را با این شکل نداشتید، قلع و قمع لیبرالها در این مملکت را نداشتید، آن عنصری که در مقابل لیبرالها ایستاد، مقاومت کرد، هر چه کوبیدند نتوانستند از میدان خارج کنند، حزب جمهوری اسلامی بود. بنی صدر خبیث میدانست که وقتی که حزب جمهوری اسلامی پشت شهید بهشتی قرار دارد، شهید بهشتی دشوار ترمی شود، پیچیده ترمی شود کوبیدن او دست نیافتنی ترمی شود. این را میدانست لذا از آن اول شروع کرد حزب را کوبیدن تا پشت او را خالی کند. دلش می خواست که حزب با شدو مال او باشد، بارها بنی صدر آن اوائل به ما میگفت که من جزو حزب شما هستم اصلاً من عضو حزبم! اینرا می گفت. بعدها سعی می کرد که با بعضی از برادران شورای مرکزی حزب ارتباطاتی برقرار کند محبت اینها را جلب کند شاید بتواند

به یک کیفیتی زیر پای عناصر اصلی را در حزب خالی کند. تلاش می کرد، یعنی واقعا "دیگر عقل باورش آمده بود که می شود این کار را کرد و دنبال این قضیه بود. و واقع قضیه هم این است که اگر شهید بهشتی و دوستان ایشان تشکیلات حزب را نداشتند و از این انسجام عظیمی که در سطح کشور هست استفاده نمی کردند، بنی صدر و لیبرالها را به آن خوبی نمی توانستند بکوبند و مبارزه را ادامه بدهند.

اگر چنانچه تحزب نبود، مجلس شورای اسلامی با آنهمه جو سازی که بنی صدر بوجود آورده بود بخش عظیمی از آنرا بجای نیروهای حزب الهی و مومن که بوسیله حزب معرفی شده بودند و لو غیر حزبی بودند اما حزب آنها را معرفی کرده بود و به مجلس فرستاده بود، مجلس از اینها خالی می شد و بجای آن عناصر وابسته به آنها می آمد، این حزب بود که نگذاشت.

آن روزی که نزدیک انتخابات بود در لایبلی آن غوغای عظیمی که در این شهر تهران اینها علیه حزب بوجود آورده بودند (از سخنرانی، از مصاحبه را دیوتلوویزیون در اختیارشان، بسیاری از روزنامه ها در اختیارشان، فقط یک روزنامه جمهوری اسلامی

بود با آنهمه فشار و اشکال) حزب جمهوری اسلامی توانست تمام مردم ایران را در جریان تمام و خصوصیات کاندیدها در ظرف چند ساعت قرار بدهد، یکی از معجزات کاری حزب بود، اگر حزب نبود قطعا "این کار را انجام نمی شد. یک تشکل می توانست این کارها را انجام بدهد. و آنها می دانستند و می فهمیدند و رند چکار می کنند که حزب را اینچور می کوبند و هدفشان چیست!

عملا "استوارترین عنصری که از اول انقلاب تا امروز در مقابل خطوط انحرافی ایستاده حزب بوده، در مقابل منافقین، در مقابل لیبرالها در مقابل حزب توده، روزنامه حزب، روزنامه جمهوری اسلامی، تنها روزنامه ای بود که از آغاز گسترش فعالیتهای حزب مخرب توده در مقاله های مستمری، افشاگری نسبت به این حزب را شروع کرد. لذا این است که حزب توده با حزب مخالف است. لیبرالها که دشمنان خونی آنها هستند با حزب جمهوری اسلامی مخالفند، منافقین که خودشان را یک دستگاه دیگری میدانند مخالفند، کمونیستها مخالفند، (حالا خیلی های دیگر هم مخالفند) و همه همان انگیزه ها را دارند. تحزب یک چیز کار سازی است در جمهوری اسلامی و واقعا

یک ارزش است هرکس تصور کند که تحزب ضد ارزش  
است خودش ضد ارزش است و قطعا " ارزش و ضد ارزش  
 را نمی داند.

بنا بر این برادران عزیز حزب در کل کشور  
 وظیفه خودشان باید بدانند در گروه های مقام و مت  
 در بسیج عمومی و عظیم مستضعفین شرکت داشته  
 باشند، بروند خدمت کنند، حضورا " به وظائف بسیج  
 عمل بکنند، و کسانی که مسئولین بسیج هستند  
 موظفند که از این برادران استقبال کنند و هر  
 کس غیر از این بکند و غیر از این خیال کند، اشتباه  
 کرده است آموزش عقیدتی و سیاسی در حزب توام  
 با آموزشهای اخلاقی باید باشد. اینهم نکته اصلی  
 و آخری ما است! اگر ما از لحاظ سواد، معلومات،  
دانش، ایدئولوژی، سیاست، بحرالعلوم هم  
باشیم ما اخلاق نداشته باشیم، یک جو ارزش نخواهد  
داشت. تواضع، اخلاص، مهربانی با بندگان خدا،  
 صلابت در مقابل دشمنان، فداکاری، به مال و جاه  
 و مقام و اینها اصالت ندادن، حزب و معنویات را  
 نزدیان رسیدن به مادیات قرار ندادن خلی راحت  
 ارزشهای مادی چشم پوشیدن آنجائیکه لازم است، آنجائی که  
 خدا می خواهد، آنجائی که وظیفه ایجاب میکند، از جان  
 و فرزندان و آسایش و سلامتی (خیلی راحت) برای

خاطر خدا گذشتن، این اساسی ترین جوهری است  
 که ما می خواهیم خودمان را به آنجا برسانیم  
 بالاترین ارزشی است که برای آن با یستی خودمان  
 را بزحمت بیا نندازیم، به تعبیر بیا نندازیم و  
 تلاش بکنیم آموزش را با آن همراه کنیم. اینهمه  
 زبانی نیست! این از آن جاهائی است که واقعا  
 دو صد گفته اش چون نیم کردار نیست. در علم  
 اینجوری نیست در علم همه اش "گفته" است می گویند  
 تا مردم یاد بگیرند، اما آنجائی که دو صد گفته  
 چون نیم کردار نیست اخلاق است، معنویت است  
 انسانیت و فضیلت است اینکه شما بتوانید بـ  
 تواضع برخورد کنید، شما یکی دوبار که ابتداء بـ  
 سلام کردید نسبت به دو نفر آدمی که از خودتـ  
 پائین تر میدانید، این بقدر صدبار توصیه ابتدا  
 به سلام به دیگران اثر خواهد گذاشت. تواضع کردن  
 اخلاص بخرج دادن، صمیمیت بخرج دادن انشاء الا  
 که برادران و خواهران موفق و موید باشند.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکات